

تأثیر احساس خطر شغلی بر بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری کشاورزان روستایی

مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان بهاباد

مسعود نیک‌سیرت* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۱/۱۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱/۹

چکیده

کشاورزی از جمله مشاغل است که ذاتاً با مجموعه‌ای از مخاطرات روبه‌روست. در پژوهش حاضر ضمن شناخت میزان تأثیرپذیری و حس کشاورزان از این مخاطرات، به بررسی تأثیر آن بر بهره‌وری و کیفیت ذهنی زندگی کاری آنان پرداخته می‌شود. روش به کارگرفته شده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی، و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش نیز مشتمل است بر کشاورزان روستایی ساکن در بخش مرکزی شهرستان بهاباد (۱۱۸۶ بهره‌بردار). با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۱۳۴ نفر تعیین گردید و آنها به صورت تصادفی و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. گردآوری داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه و تکمیل پرسشنامه‌های تدوین شده صورت گرفت. در تنظیم پرسشنامه‌ها کوشش گردید تا با استفاده از منابع اطلاعاتی و دیدگاه‌های خبرگان، کشاورزان و کارشناسان کشاورزی منطقه، منابع تولید احساس مخاطره‌های شغلی کشاورزان، با استفاده از دیدگاه و نظر استادان، مؤلفه‌های مرتبط با بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری کشاورزان شناسایی گردد. داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار SPSS شد و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که احساس خطر شغلی کشاورزان سبب کاهش بهره‌وری و همچنین کاهش کیفیت زندگی شغلی کشاورزان شده است. در واقع کشاورزانی که به میزان کمتری در شغل خود احساس خطر می‌کنند، بهره‌وری بیشتری داشته‌اند و کیفیت زندگی کاری‌شان نیز بهتر بوده است.

کلیدواژه‌ها: احساس خطر، خطر شغلی، کیفیت زندگی کاری، رضایت شغلی، کشاورزی، شهرستان بهاباد.

مقدمه

کشاورزی محور توسعه روستایی است (آسایش، ۱۳۷۴، ۲۵) و در زمره فعالیت‌های اقتصادی توأم با ریسک و فقدان اطمینان به شمار می‌آید. کشاورزان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، با مجموعه‌ای از ریسک‌های اقتصادی و طبیعی مواجه‌اند. ناتوانی در پیش‌بینی دقیق قیمت محصولات و قیمت نهاده‌های تولید و نیز میزان برداشت محصول از یک سو، و شرایط جوی و اقلیمی پیش‌بینی‌ناپذیری چون طوفان و طغیان رودخانه یا خشکسالی و آتش‌سوزی و بارندگی از سوی دیگر، باعث بی‌ثباتی درآمد کشاورزان شده است (حسن‌شاهی، ۱۳۸۵، ۱۶۲). وجود این عوامل ایجادکننده احساس خطر از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کشاورزان پیوسته با آن مواجه‌اند و از آنها زیان فراوان می‌بینند (روستا و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۰). در واقع وجود مخاطره‌های شغلی متعدد در کشاورزی، به همراه بسیاری از تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی یا فرهنگی و تکنولوژیکی که در روستاهای کشور رخ داده، سبب پایین آمدن شأن و منزلت اجتماعی روستاییان شاغل در بخش کشاورزی شده است. این‌گونه عوامل موجب تقویت احساس بی‌عدالتی و محرومیت و نارضایتی در آنها می‌گردند و منجر به تغییر شغل و یا حتی مهاجرت می‌شوند. همچنین، فقدان برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات شغلی کشاورزان می‌تواند کاهش تولیدات کشاورزی و مشکلات تأمین نیازهای مصرفی جمعیت (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۱، ۸۲) را در پی داشته باشد و تحقق استقلال اقتصادی کشور را در معرض تهدید قرار دهد (محمودیان، ۱۳۷۷، ۲).

در بیان ضرورت انجام پژوهش باید خاطر نشان ساخت که کشاورزی از محورهای اساسی توسعه مناطق روستایی است و نقش مهمی در توسعه اقتصادی مناطق مذکور دارد. از این‌رو لازم است که عوامل تأثیرگذار بر محیط کار کشاورزان و مخاطره‌های احتمالی که آنها در شغل‌شان با آن روبه‌رو هستند مورد تدقیق قرار گیرد. پیش‌فرض محقق در این مطالعه آن است که مواجهه کشاورزان با آنچه اشاره شد، سبب ایجاد احساس خطر در آنها می‌شود و این احساس، خود به کاهش میزان بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری کشاورزان دامن می‌زند. با

تغییرات فضایی و کالبدی و اقتصادی و نیز دگرگونی شرایط اجتماعی روستاییان طی چند دهه اخیر، به‌نظر می‌رسد که شغل کشاورزان روستایی دستخوش تغییرات زیادی شده و تحت تأثیر عوامل زیادی از جمله ریسک‌های طبیعی و انسانی قرار گرفته است. اینها گاه پیامدهای نامطلوبی در بهره‌وری و رضایت شغلی روستاییان داشته است. از این‌رو در پژوهش حاضر ضمن تأکید بر مخاطرات شغلی کشاورزان، به بررسی تأثیر احساس خطر شغلی آنها بر میزان بهره‌وری و کیفیت ذهنی زندگی شغلی‌شان پرداخته می‌شود. در ابتدا، به‌منظور آشنایی با مفاهیم یادشده، تعاریفی از آنها ارائه می‌گردند.

احساس خطر شغلی^۱ به معنی استنباط یا برداشت و ذهنیت افراد از امنیت و آرامش در شغل‌شان تعریف می‌گردد. کشاورزان به‌دلیل ویژگی‌های فردی‌شان از نظر میزان احساس خطر شغلی با یکدیگر متفاوت‌اند. در این پژوهش با بهره‌گیری از پرسشنامه، از کشاورزان در مورد اینکه تا چه اندازه هر یک از مخاطره‌های طبیعی و انسانی به ایجاد احساس خطر در آنها دامن می‌زند، پرسش شده است.

بهره‌وری عبارت است از به‌دست آوردن حداکثر سود ممکن با استفاده بهینه از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی، زمین، ماشین، پول، تجهیزات، زمان، مکان و جز اینها به‌منظور ارتقای رفاه (سبک‌رو و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۸۱). برای بررسی میزان بهره‌وری کشاورزان، مؤلفه‌هایی از این دست مورد بررسی قرار گرفتند: میزان درآمد، هزینه، علاقه و انگیزه، توانایی و مهارت، تعداد ساعت کار و جز اینها. کیفیت زندگی کاری را می‌توان رضایت هر فرد از برآورده شدن نیازهایش از طریق منابع و فعالیت‌ها و نتایجی که از درگیری و مشارکت در محیط کار به‌دست می‌آید تعریف کرد (سبک‌رو و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۸۸). کیفیت زندگی نیز معمولاً با استفاده از شاخص‌های عینی و یا شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری شده است، و نه با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها (خادم‌الحسینی و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۶). شاخص

1- Occupational hazard perception

های ذهنی مبتنی بر گزارش شخصی افراد از ادراکات‌شان در مورد جنبه‌های مختلف زندگی است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۰). در پژوهش حاضر نیز گزارش شخصی کشاورزان درباره میزان کیفیت زندگی کاری آنها بررسی شده است.

با توجه به این تعاریف و بر اساس هدف پژوهش، این فرضیات بررسی می‌شوند:

فرضیه ۱: کشاورزان در شغل خود به میزان زیادی احساس خطر می‌کنند.

فرضیه ۲: اکثر کشاورزان از زندگی کاری خود ناراضی‌اند.

فرضیه ۳: بین احساس خطر شغلی کشاورزان با بهره‌وری آنها همبستگی وجود دارد.

فرضیه ۴: بین احساس خطر شغلی کشاورزان با کیفیت زندگی کاری آنها همبستگی وجود دارد.

فرضیه ۵: بین بهره‌وری کشاورزان با کیفیت زندگی کاری آنها همبستگی وجود دارد.

تا به امروز مطالعات گوناگونی در زمینه ریسک و مخاطرات کشاورزان انجام شده‌اند. نتایج مطالعات حاکی از آن است که مهم‌ترین خطرهایی که کشاورزان با آنها روبه‌رو هستند، عبارت از: قیمت‌ها، آفات، بیماری‌ها و آب‌وهوا. در میان ریسک‌های طبیعی، خشکسالی به‌دلیل دوره زمانی طولانی و نیز گستره‌ای فضایی که تحت تأثیر قرار می‌دهد از همه زیان‌بارتر است. برای نمونه، پیامدهای زیان‌بار خشکسالی در کشور اسپانیا ۱۰ برابر سیل برآورد شده است (رفیعی دارانی و شاهنوشی، ۱۳۸۹، ۱۵۲).

با وجود تحقیقات صورت گرفته فراوان در زمینه علوم کشاورزی در داخل و خارج از کشور، کمتر پژوهشی کاملاً مرتبط با موضوع پژوهش حاضر به چشم می‌خورد. در بیشتر تحقیقات به بررسی مسائل و مشکلات بخش کشاورزی و همبستگی بین عوامل مختلف تولید (کشاورز، نهاده‌ها، آفات و مانند آن)، انواع ریسک‌های کشاورزی، بررسی رفتار کشاورزان در مواجهه با انواع ریسک و مباحثی از این قبیل پرداخته شده است. با توجه به آنچه ذکر شد، در ادامه به معرفی برخی از تحقیقاتی که به‌نحوی با موضوع پژوهش حاضر مرتبط‌اند پرداخته می‌شود.

نتایج پژوهش ترکمانی (۱۳۷۹) در زمینه بررسی رابطه میان کارایی اقتصادی و عوامل

اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر آن، نشان می‌دهند که آموزش‌های لازم، تماس با مروجان، داشتن شغل جنبی، کاهش ریسک‌گریزی و نظایر اینها دربردارنده تأثیر مثبت و مستقیمی بر کارایی بهره‌برداران اند. همچنین نتایج پژوهش حسن‌شاهی (۱۳۸۵) در شهرستان ارسنجان حاکی از آن است که بین ریسک و بهره‌وری کشاورزان رابطه مستقیم وجود دارد. به‌علاوه، می‌توان به تحقیقات ترکمانی و عبداللهی عزت‌آبادی (۱۳۸۰)، ترکمانی و کرمی (۱۳۸۶)، رستمی و همکاران (۱۳۸۵)، روستا و همکاران (۱۳۸۷)، فردوسی و کوپاهی (۱۳۸۴)، محمدیان و همکاران (۱۳۸۴)، ترکمانی (۱۳۷۵)، محمدقاسمی و همکاران (۱۳۸۸)، ترکمانی و کلائی (۱۳۷۸)، پتريک و دتیکس^۱ (۲۰۰۰)، هازل^۲ و همکاران (۱۹۸۳)، دایلسون^۳ و اسکاندیزو^۴ (۱۹۷۸) و باری^۵ (۱۹۸۴) نیز اشاره کرد.

در مجموع می‌بایست خاطرنشان گردد که بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه ریسک و مخاطرات کشاورزی تنها اشاره‌ای به تأثیر ریسک بر بهره‌وری کرده‌اند و بس؛ و در هیچ مطالعه‌ای به بررسی سه متغیر این پژوهش (احساس خطر شغلی، بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری) به‌صورت توأمان پرداخته نشده است. البته در پژوهش‌های انجام شده در دیگر علوم اقتصادی و اجتماعی، رابطه بین بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری افراد، مورد بررسی قرار گرفته است. تقریباً تمام این پژوهش‌ها وجود رابطه مستقیم بین بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری افراد را نشان می‌دهند. از جمله آنها می‌توان به تحقیق حسین‌زاده و میرزایی نوبری (۱۳۸۶)، باقرزاده و اعتباری (۱۳۸۷)، سلام‌زاده و همکاران (۱۳۸۷)، طبیبی و همکاران (۱۳۸۷)، دهقان نیری و همکاران (۱۳۸۷) و سبکرو و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد.

1- Petrick & Ditges

2- Hazell

3- Dillon

4- Scandizzo

5- Barry

مبانی نظری تحقیق

الف) مخاطرات شغلی کشاورزان

در دهه‌های اخیر در مورد جایگاه و اهمیت بخش کشاورزی، مباحث نظری بسیاری در قلمرو اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی مطرح شده است. صاحب‌نظران مقوله توسعه بر آن‌اند که پشتوانه و محرک توسعه روستایی در واقع، توسعه کشاورزی است. به بیان دیگر، کشاورزی نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه روستایی دارد و محور اساسی آن به شمار می‌آید (مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۶، ۸۷). البته ناگفته نماند که این فعالیت با چالش‌ها و مشکلاتی نیز در این زمینه روبه‌روست؛ از جمله اینکه کشاورزی ذاتاً فعالیت اقتصادی پرمخاطره‌ای است (فردوسی و کوپاهی، ۱۳۸۴، ۲۸ و ترکمانی، ۱۳۷۹، ۳۱). تولیدکنندگان این بخش در محیطی توأم با خطر که ناشی از ریسک‌های تولید (آب‌وهوا، بیماری‌ها، آفات و جز اینها)، بازار و قیمت (قیمت محصول و نهاده)، مالی (نرخ بهره) و نهادی (تغییر در قوانین و مقررات دولت در ارتباط با بخش کشاورزی) است، به تصمیم‌گیری می‌پردازند (روستا و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۲۷). همین مسئله خود در تصمیمات تولیدکنندگان تأثیر می‌گذارد و نتایج تصمیم‌گیری را متفاوت با آنچه در شرایط اطمینان می‌توانست باشد می‌کند (احسان و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۹). بنابراین می‌توان گفت که رویارویی شاغلان بخش کشاورزی با ریسک از ویژگی‌های عمده شغل آنهاست (ترکمانی، ۱۳۷۹، ۳۱).

کشاورزی بیشتر به عنوان نوعی فعالیت اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به عقیده هیزل و نورتن، تحلیل‌های اقتصادی بدون توجه به ریسک و ابعاد آنها باعث کاهش اعتبار مطالعات اقتصادی می‌شود (احسان و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۹). خطرهایی را که کشاورزان با آن روبه‌رو هستند، می‌توان به انواع مختلف طبقه‌بندی کرد. هارداکر^۱ و همکاران (۲۰۰۴) بین خطرهای شغلی و خطرهای مالی تمایز قائل شده‌اند. از نظر آنها خطرهای شغلی عبارت‌اند از: خطر تولید

1- Hardaker

(عملکرد)، قیمت، و خطر شخصی و سازمانی (قانونی). منظور از خطرهای مالی نیز آنهایی است که روش‌های تأمین مالی مزرعه نهنفته‌اند (Njavro & et al., 2007, 1). منشأ ریسک موجود در فعالیت‌های کشاورزی به‌طور عمده می‌تواند از ناحیه تولید و قیمت و اعتبارات باشد و بر این اساس به پنج دسته کلی تقسیم می‌شود: ۱- ریسک‌های تولید؛ ۲- ریسک‌های قیمت؛ ۳- ریسک‌های مالی؛ ۴- ریسک‌های اقتصادی و ۵- ریسک‌های اجتماعی (رستمی و همکاران، ۱۳۸۵، ۹۵-۹۴).

به گمان سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بخش کشاورزی، کشاورزان از نظر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی با یکدیگر متفاوت‌اند و این خود موجب برخورد‌های ناهمسان آنها با مسئله ریسک می‌شود (احسان و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۹). بر این اساس، کشاورزان را می‌توان با توجه به برخورد‌های متفاوت‌شان با ریسک، به سه گروه تقسیم کرد: الف) ریسک‌گریز؛ ب) خنثی در برابر ریسک؛ و ج) ریسک‌پذیر (فردوسی و کوپاهی، ۱۳۸۴، ۲۸).

ب) احساس خطر

خطر به عنوان نوعی احساس، واکنش‌های سریع و غریزی و شهودی را در برابر هر حادثه احتمالی به همراه دارد (Slovic et al., 2004, 1). احساس خطر، فرایند جمع‌آوری و انتخاب و تفسیر تأثیرات نامشخص وقوع حوادث، انجام فعالیت‌ها یا به‌کارگیری فناوری‌هاست. این احساس ممکن است بسته به نوع و زمینه خطر، شخصیت فرد و زمینه‌های اجتماعی، متفاوت باشد (Wachinger & Renn, 2010, 7). احساس خطر را کریک و مک‌کنا^۱ (۱۹۹۲) توانایی شناسایی موقعیت‌های خطرناک تعریف کرده‌اند. ایوانز و مک‌دونالد^۲ (۲۰۰۲) نیز این احساس را چنین تعریف کرده‌اند: «فرایندی که در آن فرد متوجه وجود خطر می‌شود».

1- Crick and McKenna

2- Evans and Macdonald

دو رویکرد اصلی برای بررسی احساس خطر وجود دارد: رویکرد واقع‌گرا و رویکرد ساختارگرا (Renn, 2008, 2). رویکرد واقع‌گرا به خطر، احساس خطر را به عنوان نزدیک‌ترین برداشت عینی از فعالیت و یا رویدادی خاص مورد توجه قرار می‌دهد. در این رویکرد، فرض بر این است که جهان عینی خارجی با انواع خطرها وجود دارد که می‌توان آن را شناخت و درک کرد. راه‌حل‌های مختلفی برای حل مشکلات ناشی از احساس خطر وجود دارد که با شناخت آنها به سادگی از آن میان می‌توان برخی را که دربردارنده اطلاعات بیشتر و درک بالاتری از خطر هستند، برگزید. در مقابل طرفداران رویکرد واقع‌گرا، ساختارگراها چنین استدلال می‌کنند که خطرها عینی نیستند بلکه ساخته‌های ذهنی و اجتماعی‌اند؛ و از همین رو آنان مدل‌هایی را ارائه می‌کنند که امکان مقابله مردم را با پدیده‌هایی که هنوز اتفاق نیفتاده‌اند؛ فراهم می‌سازند (Wachinger & Renn, 2010, 8).

مسنر^۱ و میر^۱ ثابت کرده‌اند که قضاوت افراد در مورد خطر به دلیل وجود عواملی چون تفاوت در دسترسی به اطلاعات و همچنین رفتار شهودی گوناگون، تفاوت در اختیار داشتن سطوح مختلفی از قدرت، یکسان نیست. بنابراین تفاوت‌های منطقه‌ای در احساس خطر هر فرد را باید در ساختارهای زیرین نحوه به اشتراک‌گذاری اطلاعات و قدرت جست‌وجو کرد. هنگام بحث در مورد تفاوت‌های منطقه‌ای توجه به راه‌هایی که در آنها، باورها و ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های افراد می‌تواند تحت تأثیر احساس خطرشان قرار گیرد؛ بسیار اهمیت دارد (Slimak and Dietz, 2006, 1703).

مردم به خطر و حوادث متناسب با احساس‌شان از آن خطر پاسخ می‌دهند و در واقع همان احساس‌شان بر تصمیم و اقدام آنها تأثیر می‌گذارد (Grave, 2007, 5). در این زمینه، لاونستین مدل بررسی ریسک به‌عنوان احساس را مطرح ساخت. او در ابتدا این واقعیت را ثابت کرد که عواطف و احساساتی که مردم در هنگام تصمیم‌گیری با آن مواجه‌اند بر تصمیم‌نهایی‌شان تأثیر

1- Messner and Meyer

می‌نهند. این مدل بر تعدادی از فرضیات مبتنی است که هر کدام به‌خوبی تأیید و حمایت شده است. آنچه در همه این فرضیات مشترک می‌نماید، این است که هر یک از جنبه‌های فرآیند تصمیم‌گیری از احساسات فرد تصمیم‌گیرنده تأثیر می‌پذیرد (Lucey and Dowling, 2005,) (213) از این‌رو احساس زیاد خطر کشاورزان، به‌دلیل آنکه بیشتر آنان از خطر گریزان‌اند، منجر به تصمیماتی با هدف کاهش شرایط عدم اطمینان می‌شود (Hnytko, 2011, 7). ویلسون و همکاران (۲۰۰۸) اشاره می‌کنند که احساس خطر زیاد کشاورزان از علف‌های هرز، سبب ایجاد رابطه معکوس بین ریسک و سود می‌شود. بیشتر کشاورزان می‌پذیرند که باید علف‌های هرز را کنترل کنند و از صرف زمان زیاد و تلاش فراوان خود و مزاحمت‌های علف‌های هرز بپرهیزند (Hnytko, 2011, 7). متغیرهای زیادی مانند نوع فرهنگ مردم، منطقه جغرافیایی کشت و ویژگی‌های آن، ویژگی‌های تولیدکننده، و نظایر اینها در احساس خطر کشاورزان تأثیرگذارند. به طور کلی می‌توان گفت کشاورزانی که به‌صورت ارگانیک به کشاورزی می‌پردازند، کمتر در این میان احساس خطر می‌کنند. این دسته از کشاورزان بیشتر نگران خشکسالی‌اند؛ در حالی که دیگر کشاورزان در برابر طوفان و رگبار و تگرگ احساس خطر می‌کنند (Medina et al. 2007,) (21).

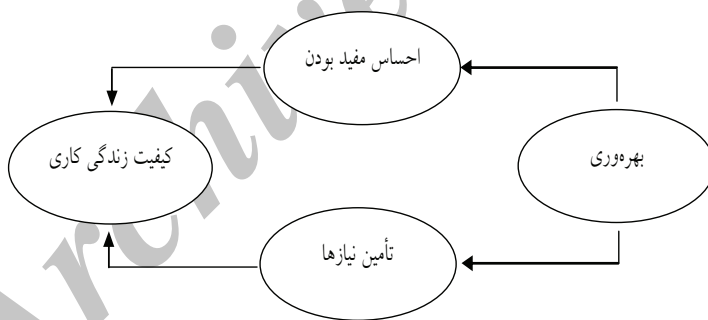
ج) بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری

برنامه‌های مربوط به کیفیت زندگی کاری^۱ (QWL)، ابتدا در اروپا طی دهه پنجاه میلادی (۱۹۵۹-۱۹۵۰) ابداع شد (اعتباریان و خلیلی، ۱۳۸۷، ۸۷) و در سال‌های اخیر استفاده از این اصطلاح بسیار رواج یافته است. البته درباره معنای آن توافق چندانی وجود ندارد. در عین حال می‌توان گفت که دست‌کم دو کاربرد رایج و شایع از آن در کار است: نخست اینکه کیفیت زندگی کاری به مجموعه‌ای از نتایج برای زندگی افراد اشاره دارد؛ همچون: رضایتمندی شغلی،

1- Quality of Work Life

فرصت‌های رشد، مسائل روان‌شناختی، امنیت شغلی، روابط انسانی با کارفرما و میزان پایین بودن حوادث. دوم اینکه کیفیت زندگی کاری به مجموعه‌ای از کارها یا عملکردهای سازمانی نظیر مدیریت مشارکتی، غنی‌سازی شغلی و شرایط کاری مطمئن اشاره دارد (غلامی، ۱۳۸۸، ۹۴-۹۳).

احساس مفید و کارآمد و مؤثر بودن در محیط کاری، بخش مهمی از کیفیت زندگی کاری به شمار می‌آید (میرسپاسی، ۱۳۷۶، ۶۱). در برنامه‌های کیفیت زندگی کاری به شدت بر ایجاد محیطی که منجر به ارضای نیازهای افراد شود تأکید شده است (خدایاریان و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۶). بالا بردن بهره‌وری و احساس مفید بودن، که خود از نیازهای انسان است، عامل مهمی در افزایش کیفیت زندگی کاری به شمار می‌آید (سلطانی و داستانی، ۱۳۸۹، ۵۰). به عبارت دیگر، رابطه دوسویه بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری، رابطه‌ای تعاملی و تصاعدی است (میرسپاسی، ۱۳۷۶، ۶۸). این رابطه را می‌توان در شکل ۱ مشاهده کرد.



شکل ۱. رابطه متقابل بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری

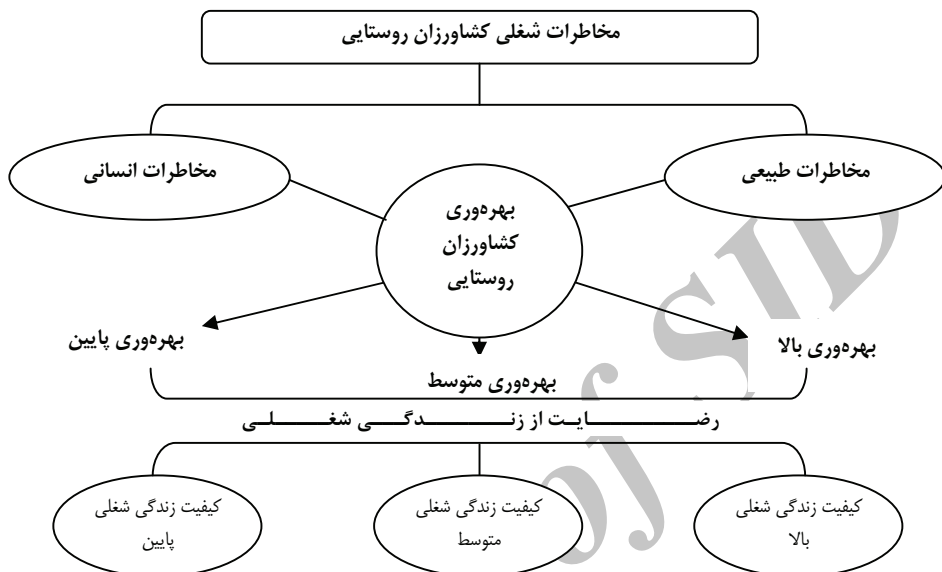
منبع: میرسپاسی، ۱۳۷۶، ۶۸

مطالعات حاکی از آن‌اند که بهبود اساسی بلندمدت در بهره‌وری می‌بایست توأم با بهبود کیفیت زندگی کاری باشد (حسین‌زاده و میرزایی نوبری، ۱۳۸۶، ۱۹). بدین ترتیب، در رویکرد

توسعه اجتماعی که شفاف‌ترین رویکرد به توسعه است، کیفیت زندگی به طور کلی بر مبنای عوامل اجتماعی مانند کاهش فقر، افزایش اشتغال، گسترش آموزش و پرورش، عدالت اجتماعی، حقوق اقلیت‌ها و یکپارچگی تعریف می‌شود (جوهری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۴۵). کیفیت زندگی کاری، مقوله‌ای پیچیده و مرکب از متغیرهای محیط کاری و نیز فرآورده ارزیابی کلی هر شخص از شغل خود است (دهقان‌نیری و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۸). تمرکز کیفیت زندگی کاری فراتر از رضایت شغلی است. تحقیقات نشان می‌دهند که سه عامل نیروی انسانی و سرمایه و تکنولوژی در افزایش بهره‌وری نقش دارند. رضایت شغلی و دل‌بستگی به کار و بهره‌وری کارکنان نیز با کیفیت زندگی کاری آنان ارتباط می‌یابد (حسین‌زاده و میرزایی نوبری، ۱۳۸۶، ۲۰). به علاوه، برخی از مستندات نشان می‌دهند که کیفیت زندگی کاری از عوامل احتمالی بهبود بهره‌وری است (دهقان‌نیری و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۹). این افراد که آنها را نیروی انسانی می‌خوانند، بیشترین تأثیر را در مجموعه عوامل مؤثر بر بهره‌وری دارند و از راه‌های بهبود بهره‌وری نیروی انسانی، ارتقای سطح کیفیت زندگی کاری افراد مذکور است (سلام‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷، ۶۱).

به عقیده توماس، کیفیت زندگی کاری در این چهار حیطه خلاصه می‌شود: ۱- امنیت و ایمنی در قالب امنیت شغلی، ایمنی جسمی و روانی؛ ۲- مساوات و منصفانه بودن حقوق و دستمزد؛ ۳- زمینه پیشرفت و ایجاد فرصت پرورش مهارت و یادگیری‌های مستمر، ۴- آزادی در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت در آنها (رحیمی و همکاران، ۱۳۸۵، ۴۳).

در پایان مباحث نظری و با توجه به بررسی‌های به عمل آمده بر روی منابع مختلف در زمینه انواع ریسک‌های کشاورزی و کاری، کیفیت زندگی و کیفیت زندگی کاری، مدل نظری تحقیق در قالب شکل ۲ ارائه می‌گردد. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، مخاطرات شغلی کشاورزان به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم شده است. وجود این مخاطرات، بر بهره‌وری کشاورزان روستایی تأثیر می‌نهد. میزان بهره‌وری نیز بر رضایت کشاورزان از زندگی شغلی‌شان مؤثر است و میزان این رضایت نیز از کیفیت زندگی کاری روستاییان کشاورز حکایت دارد (شکل ۲).



شکل ۲. چارچوب نظری تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف شناسایی احساس خطر شغلی و ارتباط آن با بهره‌وری و متقابلاً کیفیت ذهنی زندگی کاری کشاورزان روستایی انجام شده است. روش به کار گرفته شده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را کشاورزان روستایی شهرستان بهاباد با جمعیت ۱۱۸۶ نفر تشکیل می‌دهند. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۱۳۴ نفر تعیین شد.

$$n = \frac{N(t \cdot s)^2}{N \cdot d^2 + (t \cdot s)^2} = \frac{1186(1.96 \times 33.3)^2}{1186 \times (5.3)^2 + (1.96 \times 33.3)^2} \cong 134 \quad \text{رابطه (۱)}$$

پس از تعیین حجم نمونه، با توجه به موقعیت و تیپ جغرافیایی، روستاهای موجود (۸۲)

روستا) در سه گروه دسته‌بندی شدند: روستاهای دشتی (۴۲ روستا)، روستاهای پایکوهی (۲۷ روستا) و روستاهای کوهستانی (۱۳ روستا). برای انتخاب روستاهای نمونه با توجه به توزیع روستاها در هر یک از سه تیپ جغرافیایی، سهم هر یک از تیپ‌ها در کل روستاها محاسبه شد و با توجه به سهم هر تیپ، درصد و سهم آن تیپ در روستاهای نمونه نیز معین گردید. بر این اساس ۵۱ درصد یا ۶۸ نفر از میان ساکنان روستاهای دشتی انتخاب شدند، ۳۳ درصد یا ۴۴ نفر از روستاهای پای‌کوهی، و ۱۶ درصد یا ۲۲ نفر از روستاهای کوهستانی. در نهایت با استفاده از روش نمونه‌گیری موجود، پرسشنامه‌ها در بین ۱۳۴ نفر از کشاورزان توزیع شدند و در نهایت با نرخ بازگشت ۹۱ درصد، ۱۲۲ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری گردید.

سؤال‌های پرسشنامه به‌گونه‌ای ساده طراحی گردیده و تا جای ممکن سعی شده است اطلاعات زیادی در زمینه مخاطراتی که کشاورزان در هر یک از مراحل کار کشاورزی ممکن است با آن مواجه باشند و همچنین کیفیت ذهنی زندگی کاری آنها جمع‌آوری گردد. محقق با توجه به عنوان پژوهش، سه پرسشنامه را - یعنی پرسشنامه بررسی احساس خطر شغلی، پرسشنامه بهره‌وری و پرسشنامه بررسی کیفیت زندگی - طراحی و تنظیم کرد. مؤلفه‌های مندرج در این پرسشنامه‌ها، پس از مرور تجربیات متخصصان داخلی و خارجی، مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده منطقه مورد مطالعه، مصاحبه با صاحب‌نظران سازمان جهاد کشاورزی شهرستان و کشاورزان منطقه و کارشناسان و استادان رشته‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و مدیریت شناسایی شد.

پرسشنامه بررسی احساس خطر شغلی شامل ۳۶ سؤال، پرسشنامه بهره‌وری دارای ۱۵ سؤال، پرسشنامه بررسی کیفیت زندگی کاری نیز دربردارنده ۲۵ سؤال بود. هر سه پرسشنامه در مقیاس پنج‌طیفی لیکرت تنظیم شدند و به گویه‌ها نمره ۱ تا ۵ اختصاص یافت. نمره ۵ برای خیلی زیاد در گزینه‌های موافق با وجود یا تأثیر گویه، و نمره ۱ برای خیلی کم در گزینه‌های مخالف تخصیص داده شد. بدین ترتیب نمره ۳۶ و نمره ۱۸۰ به ترتیب برای کمترین و بیشترین میزان احساس خطر شغلی کشاورزان محاسبه می‌شود. همچنین نمره ۱۵ و ۷۵ به ترتیب برای

کمترین و بیشترین میزان بهره‌وری مشارکت‌کنندگان در پژوهش در نظر گرفته شد. در مورد کیفیت زندگی کاری نیز به همین ترتیب عمل شد و نمره ۲۵ کمترین میزان کیفیت زندگی کاری را از منظر کشاورزان نشان می‌داد و نمره ۱۲۵ بیشترین امتیاز را. در پرسشنامه بررسی احساس خطر شغلی، دو دسته از مخاطرات انسانی و طبیعی گنجانده شده بودند. در این پرسشنامه در مورد میزان احساس خطری پرسش شد که کشاورزان از هر یک از مخاطرات کاری خود داشتند.

بخشی از اطلاعات مورد نیاز این پژوهش را کیفیت ذهنی زندگی کاری کشاورزان دربر می‌گرفت. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز این بخش، به‌وسیله پرسشنامه محقق‌ساخته کیفیت زندگی کاری (مبنای آن پرسشنامه‌ای است که والتون در سال ۱۹۷۳ تهیه کرد) جمع‌آوری شد. در این پرسشنامه، کیفیت زندگی کاری در شش قلمرو بررسی شده است: ۱- حقوق و مزایا؛ ۲- جدول زمانی؛ ۳- ماهیت شغلی؛ ۴- جنبه‌های فیزیکی شغل؛ ۵- جنبه‌های نمادی شده داخل و خارج شغل؛ و ۶- عوامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر زندگی کاری (حسین‌زاده و میرزایی نوبری، ۱۳۸۶، ۱۹ و ۲۰). هر یک از پرسش‌های این پرسشنامه به‌منزله مؤلفه‌ای است مربوط به کیفیت ذهنی زندگی کاری، و با بهره‌گیری از منابع تخصصی در زمینه اقتصاد کشاورزی و مدیریت منابع انسانی تهیه و تدوین گردیده است. پس از تنظیم پرسشنامه‌های مقدماتی و انجام ویرایش‌های لازم در آن، به‌منظور انجام بررسی‌های اولیه، این پرسشنامه‌ها در اختیار تعدادی از اعضای هیئت علمی و متخصصان قرار گرفت تا در خصوص محتوای پرسش‌ها اظهار نظر کنند. پس از حذف هشت پرسش و ویرایش پنج‌تای دیگر در پرسشنامه احساس خطر شغلی، و نیز حذف سه و ویرایش هشت پرسش در پرسشنامه کیفیت زندگی کاری، و سرانجام حذف دو پرسش و ویرایش چهارتای دیگر در پرسشنامه بهره‌وری و تأیید روایی ابزار تحقیق، پرسشنامه‌های اصلاح‌شده به صورت تصادفی در اختیار ۲۵ نفر از روستاییان قرار گرفتند. سپس به‌منظور برآورد ضریب همسانی درونی پرسش‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد. این ضریب برای پرسشنامه احساس خطر شغلی برابر با ۰/۹۱، برای

پرسشنامه کیفیت زندگی کاری برابر با ۰/۸۲ و برای پرسشنامه بهره‌وری ۰/۸۶ به‌دست آمد، که حاکی از همسانی درونی زیاد پرسش‌هاست. علاوه بر داده‌های اشاره‌شده، در هر پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک (ویژگی‌های فردی، زراعی و اقتصادی- اجتماعی کشاورزان^۱) نیز گردآوری شد. برای تحلیل یافته‌ها از نرم‌افزار SPSS V.11.5 و آمار توصیفی نظیر فراوانی نسبی و مطلق، میانگین، انحراف معیار و آمار تحلیلی شامل آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون (برای سنجش رابطه بین متغیرهای مختلف) استفاده شد.

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان بهاباد از شهرستان‌های تازه‌تأسیس استان یزد است.^۲ این شهرستان با وسعت جغرافیایی حدود ۶۹۶۳ کیلومتر مربع در قسمت جنوب شرقی استان یزد و در فاصله ۱۸۰ کیلومتری مرکز استان و فاصله ۸۰ کیلومتری شهرستان بافق قرار دارد. بر اساس اطلاعات سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۴۵۷۷ نفر بوده است. شهرستان بهاباد دارای دو بخش (مرکزی و آسفیج) و سه دهستان به نام‌های جلگه، آسفیج و بنستان است. گفتنی است که حدود ۴۹ درصد (۳۲۰۵۰۵/۸ هکتار) از محدوده مطالعاتی، بیابانی است. روستاهای منطقه با خطر بیابان‌زایی روبه‌رو هستند و بروز خشکسالی‌های پی در پی، چرای بی‌رویه دام و توسعه صنایع و معادن (به‌خصوص معدن چادرملو) بر این امر دامن زده است. منابع آب منطقه عمدتاً آب‌های زیر زمینی‌اند و شیوه غالب استفاده از این منابع، حفر چاه است.

۱. سن، جنس، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، سابقه کار، میزان زمین زیر کشت، وسعت کل اراضی، تعداد دام و مانند اینها.

۲. منطقه مورد مطالعه تا چندی پیش در تقسیمات کشوری عملکرد بخش داشت و در تابستان ۱۳۸۸ با تصویب هیئت دولت از شهرستان بافق جدا شد و به رده شهرستان ارتقا یافت.

مساحت زمین‌های کشاورزی شهرستان به ۴۰۳۶ هکتار می‌رسد و تعداد بهره‌برداران از این زمین‌ها ۳۴۴۴ نفر است. همچنین در این شهرستان ۷۰۰۰۰ رأس دام وجود دارد و ۲۲۸۵ بهره‌بردار دامی به فعالیت دامداری و دامپروری مشغول‌اند (اداره جهاد کشاورزی شهرستان بهاباد، ۱۳۸۸). شغل بیشتر روستاییان شهرستان بهاباد، کشاورزی و دامداری است. تعداد اندکی از روستاییان نیز در بخش صنایع اشتغال دارند و تعدادی دیگر در معادن فعال واقع در شهرستان‌های مجاور مشغول به فعالیت هستند. این شهرستان هدف طرح‌های ملی و بین‌المللی گوناگونی بوده است که از جمله می‌توان به طرح کاهش تصدی‌گری دولت، طرح اقدام ملی مقابله با بیابان‌زایی و کاهش پیامدهای خشکسالی (NAP) و پروژه منارید^۱ اشاره کرد.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهند که از مجموع ۱۲۲ کشاورز پاسخ‌دهنده به پرسشنامه‌ها، ۹۱ نفر (حدود ۷۵ درصد) مذکر هستند و ۳۱ نفر (حدود ۲۵ درصد) مؤنث‌اند. در عین حال توزیع کشاورزان در بین گروه‌های سنی حاکی از آن است که نزدیک به نیمی از پاسخ‌دهندگان (حدود ۴۸ درصد) در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال قرار دارند. بررسی دقیق‌تر توزیع کشاورزان در بین گروه‌های سنی مشخص ساخت که میانگین سنی کشاورزان ۵۱ سال است. این موضوع نشان از پیر بودن جامعه مورد مطالعه و عدم تمایل جمعیت جوان به فعالیت در بخش کشاورزی دارد. از نظر وضعیت تأهل می‌بایست اشاره کرد که بیشتر کشاورزان (حدود ۶۵ درصد) متأهل‌اند و بیش از نیمی از آنها (حدود ۶۸ درصد) بیشتر از ۲ فرزند دارند. همچنین اکثر کشاورزان (حدود ۷۵ درصد) دارای تحصیلات زیر دیپلم و در حد راهنمایی

۱ - این پروژه با هدف تقویت و انسجام‌بخشی سازمانی برای مدیریت یکپارچه منابع طبیعی، به وسیله سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و با مشارکت صندوق تسهیلات محیط زیست جهانی (GEF) و برنامه عمران ملل متحد (UNDP) در ایران اجرا می‌شود.

هستند. حدود ۷۰ درصد از آنها بیش از ۲۰ سال سابقه کار در شغل کشاورزی دارند. بر اساس اطلاعات به دست آمده، اکثر کشاورزان (حدود ۷۴ درصد) اعلام کرده‌اند که در کشاورزی امنیت شغلی ندارند و در آن احساس خطر می‌کنند. نکته درخور توجه درباره این گروه از کشاورزان، آن است که حدود ۶۳ درصد از آنها به گونه‌های مختلفی بدهکار بوده‌اند.

یافته‌های تحلیلی

برای بررسی میزان احساس خطر شغلی کشاورزان از آمار توصیفی استفاده شده است. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند که تمامی کشاورزان مورد مطالعه به نوعی در شغل خود احساس خطر می‌کنند. در واقع ۷۱/۳ درصد از آنها در شغل خود به میزان زیاد و خیلی زیاد این احساس را دارند. میانگین به دست آمده برای میزان احساس خطر شغلی کشاورزان (۱۱۵/۳۴) بیانگر آن است که کشاورزان تا حدود زیادی در شغل‌شان احساس خطر می‌کنند. امتیازهای ۵۶ و ۱۶۲ به ترتیب به کشاورزانی اختصاص یافته است که کمترین و بیشترین میزان خطر شغلی را احساس کرده‌اند. بر این اساس، فرضیه نخست پژوهش تأیید می‌گردد.

جدول ۱. احساس خطر شغلی کشاورزان

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	تفسیر	امتیاز
۰	۰	۰	خیلی کم	۰-۳۶
۹/۸	۹/۸	۱۲	کم	۳۶-۷۲
۲۸/۷	۱۸/۹	۲۳	خنثی	۷۲-۱۰۸
۷۳	۴۴/۳	۵۴	زیاد	۱۰۸-۱۴۴
۱۰۰	۲۷	۳۳	خیلی زیاد	۱۴۴-۱۸۰
			۱۱۵/۳۴	میانگین
			۱۳/۶۷	انحراف معیار
			۵۶	کمترین امتیاز
			۱۶۲	بیشترین امتیاز

منبع: یافته‌های پژوهش

کیفیت ذهنی زندگی شغلی کشاورزان، بر اساس پاسخ‌های شهودی و منطقی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین‌منظور در ابتدای پرسشنامه کیفیت زندگی کاری (قبل از پرداختن به مؤلفه‌های کیفیت زندگی کاری)، از کشاورزان در زمینه میزان رضایت از کیفیت کلی زندگی کاری آنها پرسش شد. پاسخ به این پرسش به‌عنوان کیفیت زندگی شغلی شهودی و پاسخ کشاورزان به همین سؤال در انتهای پرسشنامه (پس از آشنایی با ابعاد کیفیت زندگی شغلی) به‌عنوان کیفیت زندگی شغلی منطقی در نظر گرفته شد. این دو سؤال با هدف بررسی کیفیت زندگی کاری ذهنی کشاورزان (ذهنیت و طرز تلقی کشاورزان از کیفیت زندگی کاری‌شان) طراحی شده بود و محقق با طرح آن می‌خواست تفاوت ذهنیت کشاورزان را با کیفیت زندگی کاری‌شان، قبل و بعد از آشنایی‌شان با مؤلفه‌های مرتبط با ابعاد کیفیت زندگی شغلی ارزیابی کند.

جدول ۲. رضایت از کیفیت زندگی کاری کشاورزان

انحراف استاندارد	میانگین	کاملاً راضی		نه راضی نه ناراضی		میزان رضایت	
		راضی	کاملاً راضی	ناراضی	نه راضی نه ناراضی	کیفیت ذهنی زندگی کاری	
۰/۷۱۳	۳/۴	۱۶	۲۹	۳۱	۲۷	۱۹	تعداد
		۱۳/۱	۲۳/۷	۲۵/۵	۲۲/۲	۱۵/۵	کیفیت شهودی
		۱۰۰	۸۶/۹	۶۳/۲	۳۷/۷	۱۵/۵	درصد
۰/۵۲۱	۲/۴۵	۱۱	۱۷	۲۲	۳۹	۳۳	تعداد
		۹	۱۴	۱۸	۳۲	۲۷	کیفیت منطقی
		۱۰۰	۹۱	۷۷	۵۹	۲۷	درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی پاسخ‌های مربوط به کیفیت شهودی زندگی کاری کشاورزان مشخص می‌سازد که ۱۵/۵ درصد پاسخگویان از کیفیت ذهنی زندگی کاری خود کاملاً ناراضی بوده‌اند و در طرف مقابل ۱۳/۱ درصد کاملاً راضی. به‌طور کلی حدود ۳۷/۷ درصد از کشاورزان از زندگی کاری خود رضایت داشته‌اند و ۳۶/۸ درصد نداشته‌اند؛ و ۲۵/۵ درصد نه راضی بوده‌اند و نه ناراضی (طبقه خنثی). با بررسی پاسخ‌های مربوط به کیفیت منطقی زندگی کاری کشاورزان می‌توان دریافت میزان کشاورزانی که به طور کامل از زندگی کاری خود ناراضی هستند به ۲۷ درصد افزایش یافته و میزان آنهایی که کاملاً راضی بودند به ۹ درصد کاهش پیدا کرده است. به‌طور کلی ۵۹ درصد از کشاورزان از زندگی کاری خود ناراضی و ۲۳ درصد راضی بودند. بنابراین فرضیه ۲ تأیید می‌شود. به علاوه، میانگین کیفیت زندگی کاری از ۳/۴ به ۲/۴۵ کاهش یافته است. بدین ترتیب واضح است که دیدگاه‌های کشاورزان در مورد کیفیت زندگی کاری‌شان، پس از پاسخ دادن به پرسش‌های مربوط به ابعاد کیفیت زندگی کاری، تغییر کرده است.

همانگونه که اشاره شد، یکی از اهداف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی کشاورزان (متغیر مستقل) با سه متغیر احساس خطر شغلی، بهره‌وری و کیفیت زندگی شغلی (متغیرهای وابسته) آنهاست. بدین منظور از آزمون همبستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده شده است. نتایج جدول نشان می‌دهد که بین متغیرهای سن، تحصیلات، میزان مالکیت اراضی و در پوشش بیمه قرار داشتن کشاورزان با متغیر احساس خطر شغلی در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین متغیرهای سطح درآمد و شرکت در کلاس‌های ترویجی با متغیر احساس خطر شغلی در سطح ۹۹ درصد همبستگی منفی به چشم می‌خورد؛ یعنی کشاورزانی که درآمد بالاتری داشته‌اند و آنهایی که در کلاس‌های ترویجی جهاد کشاورزی شرکت کرده‌اند، کمتر با احساس خطر شغلی روبه‌رو بوده‌اند.

اطلاعات جدول بیانگر آن است که بین سن و میزان مالکیت اراضی با بهره‌وری در سطح ۹۵ درصد همبستگی منفی وجود دارد؛ و بین متغیرهای تحصیلات، سطح درآمد، سابقه کار کشاورزی و شرکت در کلاس‌های ترویجی با متغیر بهره‌وری همبستگی مثبت در سطح

۹۵ درصد به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، از یک‌سو با افزایش سطح تحصیلات، افزایش درآمد، بیشتر شدن سابقه کار و حضور در کلاس‌های ترویج، بهره‌وری کشاورزان افزایش می‌یابد؛ و از سوی دیگر با بالا رفتن سن و بیشتر شدن میزان مالکیت اراضی، بهره‌وری کشاورزان پایین می‌آید. همچنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد که بین قرارگیری کشاورزان تحت پوشش بیمه و عضویت و مشارکت آنها در شکل‌ها در سطح ۹۹ درصد همبستگی مثبت با بهره‌وری وجود دارد. اطلاعات مندرج در جدول مشخص می‌سازد که به غیر از وضعیت تأهل کشاورزان، تمامی ویژگی‌های فردی آنها با کیفیت زندگی شغلی‌شان همبستگی دارد. در این میان بین جنسیت، تحصیلات، قرارگیری کشاورزان تحت پوشش بیمه و شرکت آنان در کلاس‌های ترویجی با متغیر کیفیت زندگی شغلی، همبستگی مثبت در سطح ۹۵ درصد به چشم می‌خورد؛ و بین سن و سابقه کار کشاورزی با متغیر کیفیت زندگی شغلی، همبستگی منفی در سطح ۹۵ درصد وجود دارد.

در واقع از یک‌سو، کشاورزان زن در قیاس با کشاورزان مرد، کشاورزان با تحصیلات بالا در مقایسه با کشاورزان بیسواد و یا دارای سواد اندک، کشاورزان بیمه‌شده در قیاس با کشاورزان بیمه‌نشده، و کشاورزانی که در کلاس‌های ترویجی شرکت کرده‌اند در مقایسه با آنانی که در این کلاس‌ها شرکت نمی‌کنند، کیفیت زندگی شغلی بهتری دارند. از سوی دیگر، کشاورزانی که سن بیشتر و سابقه کار بالاتری در شغل کشاورزی داشته‌اند، کیفیت زندگی‌شان پایین‌تر است. به علاوه، اطلاعات این جدول نشان می‌دهد که بین میزان درآمد و عضویت و مشارکت در شکل‌ها با کیفیت زندگی شغلی همبستگی مثبت به چشم می‌خورد و بین میزان مالکیت اراضی و کیفیت زندگی شغلی همبستگی منفی وجود دارد (در سطح ۹۹ درصد). یعنی از یک‌سو، کشاورزانی که درآمد بالاتری دارند و آنهایی که عضو شکل‌ها هستند و در آنها مشارکت دارند، کیفیت زندگی شغلی‌شان بالاتر است؛ و کشاورزانی که بر اراضی بیشتری مالکیت دارند، کیفیت زندگی شغلی‌شان پایین‌تر است.

جدول ۳. همبستگی بین ویژگی‌های فردی کشاورزان با احساس خطر شغلی.

بهره‌وری و کیفیت زندگی شغلی آنها

متغیرهای وابسته						نوع مقیاس	متغیرهای مستقل
کیفیت زندگی شغلی		بهره‌وری		احساس خطر شغلی			
p	r	p	r	p	r		
۰/۰۷۲	۱۱۲/۶۷*	۰/۲۴۶	۲۱۲/۳۲	۰/۳۴۲	۱۲۸/۶۶	اسمی	جنسیت
۰/۰۴۳	-۰/۲۴۳*	۰/۰۱۲	-۰/۱۹۳*	۰/۰۳۴	-۰/۱۳۲*	رتبه‌ای	سن
۰/۱۶۵	۳۴۵/۹۱	۰/۲۸۴	۱۸۹/۶۵	۰/۳۶۵	۰/۰۷۸	اسمی	تأهل
۰/۰۲۸	-۰/۴۳۷*	۰/۰۳۵	-۰/۳۲۴*	۰/۰۱۲	۰/۱۹۷*	رتبه‌ای	تحصیلات
۰/۰۰۳	-۰/۲۱۷**	۰/۰۱	-۰/۱۴۶*	۰/۰۱۶	۰/۱۱۸*	رتبه‌ای	میزان مالکیت اراضی
۰/۰۰۱	-۰/۲۳۲**	۰/۰۲۱	۰/۳۴۳*	۰/۰۰۱	-۰/۲۱۶**	رتبه‌ای	سطح درآمد
۰/۰۶۱	-۰/۲۱۲*	۰/۰۸۷	۰/۵۴۳*	۰/۱۱۲	۰/۲۱۳	رتبه‌ای	سابقه کار کشاورزی
۰/۰۰۱	۱۶۹/۲۱**	۰/۰۰۹	۱۲۴/۶۳**	۰/۴۱۲	۱۲۶/۴۵	اسمی	عضویت و مشارکت در تشکل‌ها
۰/۰۹۲	۲۰۵/۶۲*	۰/۰۵۸	۳۶۳/۵۶*	۰/۰۰۶	-۱۸۲/۷۲**	اسمی	شرکت در کلاس‌های ترویجی
۰/۰۷۴	۱۱۳/۴۸*	۰/۰۰۶	۱۲۳/۸۲**	۰/۰۲۳	-۱۶۳/۱۲*	اسمی	تحت پوشش بیمه قرار داشتن

P = سطح معنی‌داری = r آماره همبستگی * = معنی‌داری در سطح ۵ درصد ** = معنی‌داری در سطح ۱ درصد

برای بررسی رابطه بین متغیرهای اصلی پژوهش (احساس خطر شغلی، بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری) از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، که خروجی آزمون مذکور در جدول ۴ نشان داده شده است. بر اساس نتایج این جدول می‌توان گفت که بین احساس خطر شغلی کشاورزان و بهره‌وری آنها در سطح ۹۹ درصد همبستگی منفی وجود دارد. این بدان

معناست که بهره‌وری کشاورزان با افزایش احساس خطر شغلی پایین می‌آید؛ و با کاهش احساس خطر، بهره‌وری بیشتر می‌شود ($r = -0/679$ و $P = 0/003$). بنابراین می‌توان فرضیه ۳ را مبنی بر وجود رابطه بین احساس خطر شغلی و بهره‌وری کشاورزان، تأیید شده دانست. همچنین جدول ۴ نشان می‌دهد که بین احساس خطر شغلی کشاورزان و کیفیت زندگی شغلی آنها در سطح ۹۹ درصد همبستگی منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش احساس خطر شغلی، کیفیت زندگی شغلی کشاورزان پایین می‌آید و با کاهش این احساس ارتقا می‌یابد ($r = -0/523$ و $P = 0/008$). بنابراین فرضیه ۴ مبنی بر وجود رابطه بین احساس خطر شغلی کشاورزان با کیفیت زندگی شغلی آنها تأیید می‌گردد. نتایج آزمون همبستگی بین بهره‌وری و کیفیت زندگی شغلی کشاورزان حاکی از آن است که بین این دو متغیر، رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. در واقع با افزایش بهره‌وری کشاورزان، کیفیت زندگی شغلی آنها افزایش می‌یابد ($r = 0/412$ و $P = 0/001$). بدین ترتیب فرضیه ۵ مبنی بر وجود رابطه بین بهره‌وری کشاورزان با کیفیت زندگی شغلی آنها تأیید می‌شود.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین احساس خطر شغلی، بهره‌وری و کیفیت زندگی شغلی کشاورزان

کیفیت زندگی شغلی	بهره‌وری	احساس خطر شغلی	متغیر
		۱	احساس خطر شغلی
	۱	$r = -0/679^{**}$ $p = 0/003P$	بهره‌وری
۱	$r = 0/412^{**}$ $p = 0/001$	$r = -0/523^{**}$ $p = 0/008P$	کیفیت زندگی شغلی

**= معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد

به‌منظور بررسی رابطه بین ابعاد کیفیت زندگی کاری با بهره‌وری، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۵). نتایج این آزمون حاکی از آن است که بین بهره‌وری با ابعاد جدول زمانی، جنبه‌های فیزیکی و عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شغل

کشاورزان در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج جدول ۵ در عین حال نشان می‌دهد که بین بهره‌وری و بُعد حقوق و مزایا در سطح ۹۹ درصد همبستگی مثبت به چشم می‌خورد.

جدول ۵. همبستگی بین ابعاد کیفیت زندگی کاری با بهره‌وری

عوامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی	جنبه‌های نمادین داخل و خارج شغل	جنبه‌های فیزیکی	ماهیت شغلی	جدول زمانی	حقوق و مزایا	P	بهره‌وری
۰/۰۲۳	۰/۳۴۲	۰/۰۴۵	۰/۵۲۶	۰/۰۲۶	۰/۰۰۰	P	
۰/۲۳۵*	۰/۰۹۲	۰/۲۱۲*	-۰/۰۶۱	۰/۳۶۸*	۰/۳۵۶**	r	

P = سطح معنی‌داری $r =$ آماره همبستگی * = معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد ** = معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش مشخص می‌سازد که از بین ویژگی‌های فردی کشاورزان، ویژگی‌های سن، تحصیلات، میزان مالکیت اراضی، سطح درآمد، شرکت در کلاس‌های ترویجی و تحت پوشش بیمه قرار داشتن با هر سه متغیر احساس خطر شغلی، بهره‌وری و کیفیت زندگی شغلی آنها رابطه معنی‌دار داشته است. همچنین دو ویژگی سابقه کار کشاورزی و عضویت و مشارکت در تشکل‌ها تنها با دو متغیر بهره‌وری و کیفیت زندگی شغلی کشاورزان دارای رابطه معنی‌دار بوده‌اند و ارتباطی بین این دو ویژگی با احساس خطر شغلی کشاورزان به چشم می‌خورد. نکته درخور توجه در بررسی ویژگی‌های فردی، آن است که کشاورزان مسن‌تر کمتر احساس خطر شغلی می‌کنند ولی بهره‌وری و کیفیت زندگی پایین‌تری نیز دارند.

مقایسه نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات انجام‌شده در سایر رشته‌ها، بیانگر همسویی با نتایج این پژوهش‌هاست. نتایج پژوهش دهقان‌نیری و همکاران (۱۳۸۷) دربارهٔ پرستاران بالینی، طبیبی و همکاران (۱۳۸۷) در زمینه مدیریت بیمارستان‌های تأمین اجتماعی استان

تهران، سلام‌زاده و همکاران (۱۳۸۷) در زمینه نیروی انسانی مراکز خدمات درمانی، و بسیاری دیگر از پژوهشگران بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین بهره‌وری کیفیت زندگی کاری جامعه‌های مورد مطالعه است. پژوهش حاضر در مقایسه با دیگر مطالعات انجام‌شده در حوزه کشاورزی، به بررسی سه متغیر احساس خطر شغلی و بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری کشاورزان به صورت توأمان پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از وجود رابطه معنادار و مثبت بین بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری، و همچنین رابطه معنادار و منفی بین احساس خطر شغلی و بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری کشاورزان است.

نتایج بررسی رابطه بین ابعاد کیفیت زندگی کاری با بهره‌وری نشان می‌دهد که بین بهره‌وری با ابعاد جدول زمانی، جنبه‌های فیزیکی و عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شغل کشاورزان همبستگی مثبت به چشم می‌خورد. وجود این رابطه مؤید آن است که بهره‌وری کشاورزان روستایی علاوه بر آنکه تحت تأثیر جدول زمانی شغل کشاورزان (با مؤلفه‌هایی چون روزانه و شبانه بودن شغل، کافی بودن ایام فراغت، تعطیلات و مانند اینها) و جنبه‌های فیزیکی شغل آنها (با مؤلفه‌هایی مانند: سختی شغل، تناسب با جنبه‌های جسمی، روحی و روانی، فراهم بودن امکان استفاده از ابزار و ماشین‌آلات، محافظت در برابر کودهای شیمیایی و نظایر اینها) قرار دارد و این دو بعد تأثیر زیادی بر زندگی کاری کشاورزان می‌نهند و اهمیت عمده‌ای برای آنها دارند، عوامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی (با مؤلفه‌هایی چون همکاری سازمان‌های دولتی، صلاحیت و شایستگی مسئولان، همکاری بانک‌ها، هزینه‌های زندگی، هدفمند شدن یارانه‌ها، اهمیت دادن به شأن و منزلت کشاورزان در جامعه و جز اینها) نیز با توجه به تأثیراتی که بر زندگی کاری کشاورزان می‌نهد، نقش عمده‌ای در بهره‌وری کشاورزان دارد. دیگر اینکه نتایج این بررسی نشان می‌دهد که از بین ابعاد کیفیت زندگی شغلی کشاورزان، بُعد حقوق و مزایا ارتباط زیادی با بهره‌وری کشاورزان دارد.

در جمع‌بندی مباحث می‌بایست اشاره کرد که کشاورزی از جمله مشاغل پرخطر به شمار می‌آید و هر ساله شاغلان آن خسارات بسیاری را از بابت تأثیر این مخاطرات متحمل

می‌شوند. وجود این مخاطرات سبب شده است که کشاورزان همواره در شغل خود از جنبه‌های گوناگون احساس خطر کنند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که این احساس خطر شغلی کشاورزان سبب کاهش بهره‌وری و همچنین کاهش کیفیت زندگی شغلی کشاورزان شده است. در واقع کشاورزانی که به میزان کمتری در شغل خود احساس خطر می‌کنند، بهره‌وری‌شان بیشتر و کیفیت زندگی‌شان بالاتر بوده است. این موضوع، ضرورت توجه به مخاطرات تأثیرگذار بر شغل کشاورزی و به‌خصوص به‌کارگیری مدیریت ریسک در این شغل را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج پژوهش، تصور می‌شود که اعمال تفکر مدیریت ریسک در شغل کشاورزی می‌تواند سبب کاهش احساس خطر شغلی کشاورزان و افزایش بهره‌وری و کیفیت زندگی شغلی آنها گردد.

در پایان، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌ها و ابزارهای مناسب برای کاهش احساس خطر شغلی کشاورزان تدوین گردد و مورد استفاده قرار گیرد. یکی از مؤثرترین ابزارها، بیمه کردن محصولات آنان است. با توجه به پایین بودن کشتش تقاضای بیمه در بین کشاورزان منطقه مورد مطالعه (یافته‌های مصاحبه با کارمندان بانک کشاورزی و اداره جهاد کشاورزی شهرستان)، ضروری است که مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان با برگزاری کلاس‌های آموزشی به زبان ساده گفتاری و نوشتاری - و ترجیحاً به زبان محلی و محاوره‌ای - اقدام به فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به کشاورزان درباره مزایای بیمه کنند.

منابع

- آسایش، حسین، ۱۳۷۴، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران.
- احسان، عبدالرحمان و تهرانی، رضا و اسلامی بیدگلی، غلامرضا، ۱۳۸۷، بررسی ضریب ریسک‌گریزی و واریانس تولید در مدیریت ریسک (مطالعه موردی: گوجه‌فرونگی کاران دزفول)، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص. ۳۵-۱۷.

اداره جهاد کشاورزی شهرستان بهاباد، ۱۳۸۸، واحد زراعت و دام.

اعتباریان، اکبر و خلیلی، مسعود، ۱۳۸۷، رابطه کیفیت زندگی کاری و ابعاد آن با جامعه‌پذیری سازمانی (کارکنان سازمان تأمین اجتماعی اصفهان)، دانش و پژوهش در روانشناسی، شماره ۳۵ و ۳۶، صص. ۱۰۶-۸۱.

باقرزاده، مجید و اعتباری، محمدرضا، ۱۳۸۷، بررسی ارتباط بین بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری با بهره‌گیری از تکنیک MCP/PMT، علوم مدیریت، سال اول، شماره ۴، صص. ۸۳-۶۵.

ترکمانی، جواد و کرمی، آیت‌الله، ۱۳۸۶، بررسی منابع ایجاد مخاطره در تولید محصولات کشاورزی؛ مطالعه موردی: تولید مرکبات در استان فارس، فصلنامه دانش کشاورزی، شماره ۶۸، صص. ۴۲-۳۱.

ترکمانی، جواد، ۱۳۷۹، مقایسه و ارزیابی روش‌های عمده تعیین گرایش به ریسک بهره‌برداران کشاورزی؛ مطالعه موردی: واحدهای نگهداری گاوهای شیری، فصلنامه اقتصادی، اجتماعی بخش کشاورزی- روستایی، سال هشتم، شماره ۳۱، صص. ۵۶-۳۱.

جوهری، فاطمه و سراج‌زاده، سیدحسین و رحمانی، ریثا، ۱۳۸۹، تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی)، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۲، صص. ۱۶۲-۱۴۳.

حسن‌شاهی، مرتضی، ۱۳۸۵، تصمیم‌گیری زراعی تحت شرایط مخاطره مطالعه موردی شهرستان ارسنجان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۵۴، صص. ۱۷۸-۱۶۱.

حسین‌زاده، داود و میرزایی نویری، سائینا، ۱۳۸۶، کیفیت زندگی کاری و تأثیر آن بر بهره‌وری، مجله مدیریت، سال هجدهم، شماره ۱۲۳ و ۱۲۴، صص. ۲۰-۱۷.

خادم‌الحسینی، احمد، منصوریان، حسین، ستاری، محمدحسین، ۱۳۸۹، سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره ۳، صص. ۶۰-۴۵.

خدایاریان، مهسا و ونکی، زهره و ناوی‌پور، حسن و واعظی، علی‌اکبر، ۱۳۸۷، بررسی تأثیر به‌کارگیری برنامه ارتقای صلاحیت بالینی بر کیفیت زندگی کاری پرستاران واحد مراقبت‌های ویژه قلبی، دومانه علمی- پژوهشی دانشور پزشکی، شماره ۷۵، صص. ۲۶-۱۵.

دهقان‌نیری، ناهید و صالحی، تهمینه و اسدی نوقابی، احمدعلی، ۱۳۸۷، کیفیت زندگی کاری و بهره‌وری پرستاران بالین و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، پژوهش پرستاری، شماره‌های ۸ و ۹، صص. ۳۷-۲۷.

رحیمی، حمید و رجایی‌پور، سعید و سلیمی، قربانعلی، ۱۳۸۵، میزان کیفیت زندگی کاری اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۲، صص. ۵۴-۴۱.

رستمی، فرحناز و شعبانعلی فمی، حسین و موحدمحمدی، حمید و ایروانی، هوشنگ، ۱۳۸۵، مدیریت ریسک تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانوادگی مطالعه موردی شهرستان هرسین، مجله علوم کشاورزی ایران، شماره ۱، سال ۲-۳۷، صص. ۱۰۶-۹۳.

رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۱، صص. ۶۶-۳۳.

رفیعی دارانی، هادی و شاهنوشی، ناصر، ۱۳۸۹، بررسی موقعیت کشاورزان شهرستان‌های خراسان رضوی در مواجهه با شرایط مخاطره‌آمیز: کاربرد برنامه‌ریزی چندمعیاری، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۴، صص. ۱۶۴-۱۵۱.

روستا، کوروش و فرج‌الله حسینی، سیدجمال و چیذری، محمد و حسینی، سیدمحمود، ۱۳۸۷، بررسی سازوکارهای مؤثر بر مدیریت ریسک تولید گندم در استان خراسان رضوی، مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، جلد پانزدهم، شماره ۶، صص. ۲۱-۹.

روستا، کوروش و فرج‌الله حسینی، سیدجمال و چیذری، محمد و حسینی، سیدمحمود، ۱۳۸۸، بررسی عوامل مؤثر بر توانایی کشاورزان در مدیریت ریسک (مطالعه موردی گندمکاران خراسان رضوی)، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره ۳، صص. ۱۴۱-۱۲۷.

سبک‌رو، مهدی و وفایی یگانه، محمد و کاشانی، صالح، ۱۳۸۹، بهره‌وری کارکنان شرکت‌های بیمه در پرتو هوش عاطفی و کیفیت زندگی کاری، فصلنامه صنعت بیمه، سال بیست و پنجم، شماره ۱، صص. ۲۰۲-۱۷۹.

سلام‌زاده، یاشار و منصور، حسین و فرید، داریوش، ۱۳۸۷، بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و بهره‌وری نیروی انسانی در مراکز خدمات درمانی (مطالعه موردی: پرستاران بیمارستان شهید صدوقی یزد)، فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره ششم، شماره ۲، صص. ۷۰-۶۰.

سلطانی، ایرج و داستانی، مهدی، ۱۳۸۹، کیفیت زندگی کاری و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن، تدبیر، شماره ۲۱۷، صص. ۵۴-۴۹.

طیّبی، جمال‌الدین و نصیری‌پور، امیر اشکان و گوهری، محمودرضا و علیزاده، فرشته، ۱۳۸۷، رابطه کیفیت زندگی کاری با میزان بهره‌وری مدیریت بیمارستان‌های تأمین اجتماعی استان تهران، مدیریت سلامت، شماره ۳۴، صص. ۲۶-۲۱.

غلامی، علیرضا، ۱۳۸۸، عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی کاری در سازمان، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۴، صص. ۱۰۰-۷۹.

فردوسی، رحمت و کوپاهی، مجید، ۱۳۸۴، تعیین گرایش کشاورزان گندمکار به ریسک (مطالعه موردی استان گلستان)، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص. ۴۳-۲۷.

محمدقاسمی، محمود و کوهکن، شیرعلی و گلی محمودی، حبیب‌الله، ۱۳۸۸، بررسی میزان جبران خسارت کشاورزان از صندوق بیمه محصولات کشاورزی در منطقه سیستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴، صص. ۴۸-۳۹.

محمدیان، مهدی و چیذری، امیرحسین و مرتضوی، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، تأثیر ریسک قیمتی برنج در شرایط بورس کالا بر الگوی کشت بهینه مطالعه موردی استان گلستان منطقه گنبد- مینودشت، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص. ۱۹۴-۱۶۹.

محمدیان، م.، ۱۳۷۷، قطعه‌نامه رؤسای دانشکده‌های کشاورزی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن، ۱۳۸۱، جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی)، انتشارات جهاد دانشگاهی.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن و شمسانی، ابراهیم، ۱۳۸۶، توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی مطالعه موردی: بخش سجاسرود زنجان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۵، صص. ۱۰۴-۸۵.

میرسپاسی، ناصر، ۱۳۷۶، مدیریت منابع انسانی در روابط کار، نگرشی راهبردی (استراتژیک)، چاپ اول، انتشارات شروین.

Barry, P.J., 1984, **Risk Management in Agriculture**, Iowa State University Press.

Crick, J. & McKenna, F.P., 1992, **Hazard Perception: Can it be trained?** Proceedings of Manchester University Seminar: Behavioural Research in Road Safety 2.

Dillon, J.L. and P.L. Scandizzo, 1978, **Risk Attitudes of Subsistence Farmers in Northeast Brazil: A Sampling Approach**, Amer J. Agri. Econ, 60, PP. 425-35.

Evans, T. & Macdonald, W., 2002, **Novice Driver Situation Awareness and Hazard Perception**, An exploratory study, Paper presented at the Road Safety Research, Policing and Education Conference, Adelaide.

Graves, Kate, 2007, **Risk Perception of Natural Hazards in the Volcanic Regions of Ecuador and Guatemala**, a thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for a degree of Master of Science in environmental policy, Michigan technological university.

Hazell, P.B.R.; R. D. Norton; M. Parthasarthy and C.Pomaareda, 1983, **The Importance of Risk in Agricultural Planning Models**, In the book of CHAC Programming studies for Mexican agriculture, Ed. Roger D. Norton and Leopoldo M. Solis. Baltimore, Maryland: The Johns Hopkins University Press, PP. 225-248.

Hnytka, G., 2011, **Social Risk Perceptions, Attitudes and Farmer Integrated Weed Management Decisions: An Analysis**, Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for The Degree Master of Environment and Natural Resources In the Graduate School of The Ohio State University.

- M. Lucey, B., Dowling, M., 2005, **The Role of Feelings in Investor Decision-Making**, Journal Of Economic Surveys, Vol. 19, No. 2, PP. 211- 237.
- M. Njavro, V. Par, Draženka Pleško, 2007, **Livestock Insurance as a Risk Management Tool on Dairy Farms**, POLJOPRIVREDA, Vol.13 No.1 Lipanj 2007.
- Medina, F., Iglesias, A., Mateos, C., 2007, **Risk Management, Vulnerability, and Risk Perception of Organic Farmers in Spain**, Paper prepared for presentation at the 101st EAAE Seminar 'Management of Climate Risks in Agriculture', Berlin, Germany, July 5-6.
- Petrick, M. & C.M. Ditges, 2000, **Risk in Agriculture as Impediment to Rural Lending: The Case of North- Western Kazakhstan**, Institute of Agricultural Development in Central and Eastern Europe.
- Renn, O., 2008, **Risk Governance**, Coping with uncertainty in a complex world. Earthscan, London.
- Slimak, MW, Dietz, T., 2006, **Personal Values, Beliefs, and Ecological Risk Perception**, Risk Analysis, 26/2, PP. 1689-1705.
- Slovic, P., Finucane, M., Peters, E. and MacGregor D.G., 2004, **Risk as Analysis and Risk as Feelings: Some Thoughts about Affect, Reason, Risk, and Rationality**, Risk Analysis, Vol. 24, No. 2, PP. 1- 12
- Wachinger, G. & Renn, O., 2010, **Risk Perception and Natural Hazards**, CapHaz-Net WP3 Report, DIALOGIK Non-Profit Institute for Communication and Cooperative Research, Stuttgart (available at: http://caphaz-net.org/outcomes-results/CapHaz-Net_WP3_Risk-Perception.pdf).